

مرگ بر دهشت افغانان تجاوزگر!

ابر قدرت غارتگر و جهانخواار امریکا می خواهد وطن عزیز و رنج‌دیده و بلا کشیده مارا توسط ماشین جنگی تجاوزگرش به خاک و خون بکشد. از هم اکنون و پیشاپیش قرار است که این لشکرکشی اشغالگرانه، بیشتر از یک میلیون افغانستانی را بسوی کشورهای همسایه آواره نماید. به یقین بی خانمانی آوارگان داخلی بیشتر از این وسعت خواهد داشت. این بی خانمانی چند میلیونی بطورحتم با تلفات انسانی چند صد هزار نفری و ویرانی های بازم بیشتر کشور مخروبه و با خاک یکسان شده توام خواهد بود. رنج و مصیبتی که به این ترتیب نصیب مردمان زجر دیده کشور مان خواهد شد، عظیم و بیکران خواهد بود.

فلاکت و بدبختی ایکه رژیم عقبگرا و ددمنش طالبان و مهمانان ناخوانده آن از چهار گوشه جهان یعنی افراطیون مذهبی وهابی و اخوانی خارجی برای مردمان ما و کشورما به ویژه زنان افغانستانی ببار آورده اند، قطعاً و به هیچ صورتی نمیتواند مجوزی برای دلخوشی وحتی بی تفاوتی نسبت به تجاوزگران امریکائی و متحدین شان محسوب گردد. فلاکت طالبان خود تحت سرپرستی و رهبری غارتگران امریکائی بوجود آمد تا «امنیت» مورد دلخواه آنها را در کشور بوجود آورده و دهلیز عبوری برای شان بسوی میدان های نفت و گاز آسیای میانه فراهم نماید. اسامه و دارودسته اش نیز ساخته و پرداخته قدرتمندان امریکائی و متحدین شان هستند. ازین جهت است که آنها ناجیان منزه نیستند، بلکه شریک جرم و بالاتر از آن مسول اول تمامی جنایات به وقوع پیوسته طالبی و لادنی به حساب می آیند.

قدرت ضد مردمی و زن ستیز طالبان و شرکا لادنی شان به هیچ چیز دیگری جز به سرنگون کردن و از میان بردن و کشاندن سردمداران آن بمثابه جنایتکاران ضد بشریت بیای میز محاکمه عادلانه مردمی نمی ارزد. تامین این خواست قویاً با منافع مبارزاتی زنان افغانستان منطبق است زیرا که این رژیم جاهلانه و قرون وسطایی ستم ددمنشانه بر آنان اعمال می نماید. اما اگر جای اینها را نه قدرت و حاکمیت مردمی بلکه لشکریان مهاجم امریکائی و رژیم دست نشانده ظاهر خانی بگیرد، بازم «همان خرک و همان درک» خواهد بود و رنج و بدبختی مردمان افغانستان تداوم خواهد یافت. در چنین حالتی با وجودیکه میتواند تعییرات شکلی و جزئی در مورد ستم بر زنان بوجود آید اما اساس نظام مردسالاری پابرجا باقی خواهد ماند و به نحو نزدیکتری با غارت و چپاول امپریالیستی مرتبط خواهد شد.

همانگونه که «فاجعه هفت ثور» با خفه شدن تره کی و قدرتگیری امین پایان نپذیرفت بلکه ادامه یافت، «فاجعه هشت ثور» نیز با راندن «جهادی ها» از راس قدرت و برآمد طالبان خاتمه نیافت و بصورت بدتری تداوم پیدا کرد. به همین گونه، آنطوری که در گذشته «مرحله تکاملی فاجعه هفت ثور» یعنی تجاوز «شوروی ها» به افغانستان، کشته شدن حفیظ الله امین این نوکر کم و بیش نافرمان آنها بدست خودشان و روی کار آمدن حکومت دست نشانده ببرک کارمل، باعث حل بحران افغانستان در آن موقع نگردید، بلکه آنرا پیچیده تر ساخت «مرحله تکاملی فاجعه هشت ثور و فاجعه طالبان» یعنی تجاوز امریکائی ها به افغانستان، از میان بردن رژیم ملاعمر و اسامه توسط آنها و روی کار آوردن حکومت دست نشانده ظاهر خانی نیز باعث حل بحران کنونی نخواهد شد بلکه می تواند آنرا عمیق تر و گسترده تر بسازد.

شعار مبارزه علیه «دهشت افگنی» از سوی غارتگران امریکائی یک شعار دروغین و یک عوام فریبی آشکار است. اینها خود بزرگترین دهشت افغانان در جهان محسوب میگردند زیرا که در راس نظام دهشت افگن و خون آشام حاکم بر جهان که از گوشت و خون مردمان جهان تغذیه می نماید و تجارت فحشا دومین تجارت پرسود آن محسوب می گردد، قرار دارند. اینها در گذشته تقریباً بصورت کامل یک نژاد انسانی یعنی سرخ پوستان را قتل عام کردند، وسیعترین و سبعانه ترین تجارت برده ها را روی شانه های یک نژاد دیگر انسانی یعنی سیاه پوستان تحمیل نمودند، اهالی دو شهر جاپانی را در اثر بکار برد سلاح اتمی در جنگ جهانی دوم نیست و نابود کردند و ... هم اکنون نیز در امریکای لاتین، افریقا، خاورمیانه، فلسطین، عراق، افغانستان و سراسر جهان به دهشت افگنی های عظیم و پرورش باندهای دهشت افگن می پردازند.

ننگ و نفرین بر آن « قهرمانان جهاد ضد روسی» دیروزی که امروز نه تنها در قفای خرس های قطبی آویخته اند، بلکه برای دسترسی به پس خورده های گرگ های امریکائی نیز مشتاقانه سر از پا نمی شناسند و پیشاپیش آنها تا روم می شتابند تا «شاه شجاع سوم» را نشسته بربرچه های سربازان امریکائی تا «قصر دلکشا» بدرقه نمایند.

جنبش مبارزاتی زنان افغانستان نباید همچون گوسفند قربانی در پیش پای سربازان متجاوز و «کارمل» امریکائی ذبح گردد. کسانی که به اجرای این کار کمر بسته اند باید متوجه مسئولیت تاریخی خود باشند و بدانند که از لحاظ تاریخی قرار گرفتن در پهلوی «سازمان دمکراتیک زنان افغانستان» (بخش زنان باندهای مزدور «شوروی») شرم آور و ننگ آفرین است.

تامین منافع علیای مردمان ما مستلزم آن است که دستان مداخله گر و تجاوز گر قدرت های جهانی و منطقوی از افغانستان قطع گردند تا آنها خود فرصت یابند سرنوشت خود و کشورشان را تعیین نمایند. اما در شرایط سلطه جهانی نظامی غارتگر که منافع قدرت های جهانی و واپسگرایان بومی

در کلیت خود با هم گره خورده اند، دسترسی به این خواست بر حق فقط و فقط از طریق پیشبرد مبارزات اصولی و قاطع مردمی علیه غارتگران جهانی و واپسگرایان بومی در مسیر برقراری نظامی عادلانه مردمی، ممکن و میسر است و نه از طریق امید بستن های واهی به اقدامات «سازمان ملل متحد» که صرفا وسیله ای در دستان قدرتمندان حاکم بر جهان و در جهت تامین منافع آزمندانه و خواست ها تجاوزگرانه شان است.

«دسته هشت مارچ» بمثابة بخشی از جنبش مبارزاتی زنان افغانستان، نیات و مقاصد تجاوزگرانه و اشغاگرانه جانخواران امریکائی در مورد کشورمان را قویا محکوم نموده و همه مردمان کشور بویژه زنان را فرا میخواند که بپایزند و مقاومت مردمی را در اشکال و صور گوناگون آن از هم اکنون سازمان دهند. زنان مبارز باید شانه به شانه سایر پیشگامان مقاومت مردمی در خط مقدم این مقاومت حضور فعال و رزمنده داشته باشند، تا این مقاومت در عین مبارزه علیه تجاوزگران بمثابة جنگی علیه نظام ضد مردمی حاکم، بویژه علیه شوونیزم مردسالار حاکم نیز پیریزی گردد و به پیش رود.

مرگ بر دهشت افگنان جهانی و بومی!

به پیش در راه برپائی مقاومت مردمی علیه تجاوزگران!

((دسته هشت مارچ)) ۱۵ میزان ۱۳۸۰